

نگاهی به جوابات اهل الموصل فی العدد و الرؤیة*

سید محمدرضا حسینی جلالی
ترجمه و تتمیم: جویا جهانبخش

چکیده

اینکه آیا ماه رمضان همیشه سی روز است یا بیست و نه روز هم می‌تواند شد و نقصان می‌تواند پذیرفت، از مسائلی مورد اختلاف دانشمندان امامی در آغاز غیبت کبری بوده است و ایشان را به دو گروه «اصحاب عدد» و «اصحاب رؤیت» تقسیم کرده. گفتار حاضر با عنایت ویژه به رساله‌ای از شیخ مفید در دفاع از نظریه اصحاب رؤیت و رد نظریه اصحاب عدد، پرونده این بحث تاریخمند را بر می‌رسد. کلید واژه: رمضان، اصحاب عدد، اصحاب رؤیت، شیخ مفید

سرشت ماههای قمری و آنچه سنن مردمان بر آن استقرار یافته، آن است که ثبوت ماه، از هلال و بیرون آمدن آن از مُحاق و پدیدار شدنش در آفاق تبعیت می‌کند؛ و چون هلال رؤیت گردید، ماه جدید آغاز می‌گردد - خواه ماه پیشینش سی روز بوده باشد یا بیست و نه روز.

این روند بی‌گفت و گو، در همه ماهها جریان دارد و ماه گاه تمام می‌گردد و گاه ناقص می‌ماند؛ مگر در ماه مبارک رمضان؛ که برخی از محدثان قدیم بدان گرائیده‌اند که این ماه هرگز کمتر از سی روز نمی‌شود و در این باره به سه دلیل استناد کرده‌اند: نخست: پاره‌ای از احادیث که در این باب رسیده است.

* این گفتار، ترجمه بخشی است از نظرات فی ثواب الشَّیخ المفید که متن کامل آن به ترجمه و تتمیم همین ترجمان تحت عنوان کارنامه شیخ مفید در دست آماده سازی است.

دوم: این سخن خدای متعال <در قرآن> که می فرماید: ﴿وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ﴾ (س ۲، ی ۱۸۵؛ یعنی: تا آن شمار را کامل کنید)؛ بدان گونه که آن را بر کامل کردن شمار ماه به سی روز حمل می کنند.

سوم: این سخن امام صادق - علیه السلام - که فرموده: «... .. <خَذُوا بِأَبْعَدِهِمَا مِنْ قَوْلِ الْعَامَّةِ﴾^۱ (یعنی: <چون دو حدیث ناهمساز، از ما به شما رسد [...]>، به آن یکی که از قول عامه^۲ دورتر است تمسک کنید، چه عامه قائل اند به ناتمامی ما و رمضان. عیار سنجی اینگونه استدلالها و ردّ یا قبولشان و اینکه آیا ماه مبارک رمضان همیشه سی روزه است یا گاه مانند دیگر ماهها بیست و نه روزه می شود، یکی از مسائل مهمّ مورد اختلاف و بحث در میان دانشمندان امامی سده های چهارم و پنجم هجری بوده است. دودستگی بر اثر نوع داوری درباره این مسأله تا به آنجا پیش رفت که در همان روزگاران طرفداران نظریه نخست - که سرآمدن عدد سی را ملاک به پایان رسیدن روزه های رمضان می دانستند - به «اصحاب العدد» و طرفداران نظریه دوم که رؤیت هلال رمضان را ملاک آغاز رمضان و رؤیت هلال شوال را ملاک پایان رمضان می گرفتند و بیست و نه روزه شدن رمضان را به آسانی برمی تافتند - به «اصحاب الرؤیة» نامبردار گردیدند.^۳

اگرچه - به قول بعضی فضلائی معاصر - بطلان نظریه «اصحاب العدد» امروزه قریب به بداهت است،^۴ باید به خاطر داشت که در آن روزگاران این نظریه طرفدارانی راسخ و گرم و داشته است.

شیخ بزرگوار، صدوق - رضوان الله علیه - دست کم در دورانی از حیات علمی اش، از «اصحاب عدد» بوده و هم در کتاب خصال و هم در کتاب من لایحضره الفقیه از این نظریه به شدت دفاع کرده است.^۵

وی در خصال پس از آوردن اخباری چند در این باب که «شَهْرُ رَمَضَانَ ثَلَاثُونَ يَوْمًا لَا يَنْقُصُ أَبَدًا» (/ ماه رمضان سی روز است و هرگز کاستی نمی پذیرد) می نویسد:

مَذْهَبُ خَوَاصِّ الشَّيْبَعَةِ وَأَهْلِ الْإِسْتِبْصَارِ مِنْهُمْ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ أَنَّهُ لَا يَنْقُصُ عَنْ ثَلَاثِينَ يَوْمًا أَبَدًا؛ وَالْأَخْبَارُ فِي ذَلِكَ مُوَافِقَةٌ لِلْكِتَابِ وَمُخَالَفَةٌ لِلْعَامَّةِ؛ فَمَنْ ذَهَبَ مِنْ ضَعْفَةِ الشَّيْبَعَةِ إِلَى الْأَخْبَارِ الَّتِي وَرَدَتْ لِلتَّقِيَّةِ فِي أَنَّهُ يَنْقُصُ وَيُصِيبُهُ مَا يُصِيبُهُ الشُّهُورُ مِنَ النُّقْصَانِ وَالْتِمَامِ، اتَّقِيَ كَمَا تَتَّقَى الْعَامَّةُ وَلَمْ يُكَلِّمْ إِلَّا بِمَا يُكَلِّمُ بِهِ الْعَامَّةُ؛ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.^۶

حاصل معنا:

باورِ خواصّ شیعیان و دیده‌ورانِ ایشان در بابِ ماهِ رمضان آن است که هیچگاه از سی روز کمتر نمی‌شود، و احادیث در این باره با کتاب خدا [قرآن] سازگار و با طریقهٔ عامّه مخالف است. پس آن ضعیفانِ شیعه که در این باور که ماه رمضان کاستی می‌پذیرد و همان نقصان و کمال که بر سرِ دیگر ماهها می‌آید در حقّ ماه رمضان نیز هست، به اخباری گرائیده‌اند که از رویِ تقیّه رسیده، باید همانگونه که از عامّه تقیّه می‌کنیم، از ایشان نیز تقیّه کنیم و با ایشان جز همان نگوئیم که با عامّه می‌گوئیم؛...^۷

همو در کتاب من لایحضره الفقیه پس از آوردنِ احادیثی چند مبنی بر نقصان ناپذیری و سی روزگی ماه مبارک رمضان می‌نویسد:

مَنْ خَالَفَ هَذِهِ الْأَخْبَارَ وَ ذَهَبَ إِلَى الْأَخْبَارِ الْمُوَافِقَةِ لِلْعَامَّةِ فِي ضِدِّهَا. أَتَقِي كَمَا يُتَّقَى الْعَامَّةُ وَ لَا يُكَلِّمُ إِلَّا بِالتَّقِيَّةِ كَأَنَّ مَنْ كَانَ، إِلَّا أَنْ يَكُونَ مُسْتَرْشِدًا فَيُرْشِدُ وَ يُبَيِّنُ لَهُ، فَإِنَّ الْبِدْعَةَ إِنَّمَا تُمَاتُ وَ تُبْطَلُ بِتَرْكِ ذِكْرِهَا؛ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.^۸

حاصل معنا:

کسی که با این احادیث مخالفت کند و به احادیثی که در ضدیت با این احادیث و موافق طریقهٔ عامّه است بگراید، همانگونه که از عامّه تقیّه می‌کنیم، از او نیز تقیّه می‌کنیم و هرکه باشد جز به تقیّه با وی سخن نمی‌گوئیم؛ مگر آنکه در جستجوی حقیقت باشد؛ که در این صورت باید او را به حقیقت رهنمون شد و مطلب را از برای او روشن نمود؛ چه، بدعت، با و نهادن یادکردش نابود گردیده تباه می‌شود؛...^۹

چنان که دیده می‌شود دفاع صدوق از این باور سخت و راسخ و گرمروانه است و حتی «اصحاب رؤیت» را آشکارا به «بدعت» متهم می‌کند؛ لیک در مُقْنِع و هدایه و آمالی هیچ سخنی از عدد به میان نیاورده، و تنها رؤیت را علامت دانسته است و حتی در مُقْنِع آشکارا از امکان بیست و نه روزگی رمضان سخن رانده.^{۱۰}

این نظر اخیر صدوق را عدول از رأی محدثانّه پیشین و نوعی تمایل وی به مکتب اجتهادی بغداد قلم داده‌اند.^{۱۱}

قابل توجه است که خود شیخ مفید از کسانی است که در آغاز در زمره «اصحاب عدد» بوده و به سال ۳۶۳ ه. ق، در بیست و اند سالگی، رساله‌ای تحت عنوان لمح البرهان فی عدم نقصان شهر رمضان (یا: لمح البرهان فی کمال شهر رمضان) در دفاع از این نظریّه نوشته بوده است. این رساله که هم اکنون در دست نیست در اختیار ابن طاوس بوده و او، هم

در اقبال (/) در «مضمار السبق» و هم در فلاح السائل، از آن نقل کرده است. مفید که این رساله را به تأثر از رأی مختار برخی مشایخ خود چون صدوق و برادرش و هارون بن موسی تلکبری (در گذشته به ۳۸۵ ه. ق) و شریف ابو محمد حسن بن حمزه علوی مرعشی طبری (در گذشته به ۳۵۸ ه. ق) و أبو القاسم جعفر بن محمد بن قولویه قمی (در گذشته به سال ۳۶۸ ه. ق) نوشته بوده است، در آن به ردّ قول شیخ خود، ابو الحسن محمد بن احمد بن داود قمی (در گذشته به ۳۶۸ ه. ق) که از «اصحاب رؤیت» بوده و رساله‌ای در ردّ قول ابن قولویه در این باره داشته است، پرداخته و از رأی اصحاب عدد - مانند ابن قولویه - دفاع کرده است.^{۱۲}

وی البته تبدل رأی حاصل کرد و از عقیده به «عدد» عدول نموده، به نظر «اصحاب رؤیت» عقیده مند شد و آنگاه به صراحت در دفاع از نظریه «اصحاب رؤیت» قلمفرسایی‌ها کرد. در مصباح الثور با محمد بن احمد بن داود قمی همسو شد و امکان بیست و نه روزگی رمضان را پذیرفته از حیث تمامت و نقصان رمضان را چو دیگر ماهها قلم داد.^{۱۳}

بدین ترتیب، شیخ مفید - چونان جمهور فقیهان - معتقد است که حکم ماه رمضان حکم دیگر ماههای قمری است که گاه نیز نقص بر آن عارض می‌شود > و ناتمام می‌ماند؛ و ملاک پایان آن جز رؤیت هلال سؤال نیست.

> شیخ مفید رساله جوابات اهل الموصل فی العدد و الرؤیة را نیز در همین باره به نگارش کشیده > و در این رساله با عقیده آن گروه از محدثان مخالفت کرده، و به سود قول مشهور > میان فقها >، به استدلال پرداخته است.

آنسان که از آغاز رساله جوابات اهل الموصل برمی‌آید مردی از شیعیان باشندۀ موصل به یکی از آشنایان شیخ - که مع الاسف نام او در رساله مورد تصریح واقع نشده است - نامه نوشته بوده و از وی خواسته بوده تا از شیخ بپرسد که: آیا ماه رمضان همانگونه که سی روز می‌شود، بیست و نه روز هم می‌شود؟ و آیا اگر بیست و نه روز بود، ماه کامل به حساب می‌آید یا کامل خوانده نمی‌شود؟ همچنین در باب عقیده شیعیانی که قائل به «عدد» و منکر بیست و نه روز شدن رمضان‌اند و دلیل ایشان بر این عقیده و دلیل نادرستی عقیده‌شان و... از شیخ جو یا شود.

شیخ که رساله را خطاب به آشنای خویش نوشته، او را به رساله مطّولی که در این باره نگاشته و مصباح الثور نام کرده است ارجاع می‌دهد، لیک پایندان می‌شود که در این

رساله نیز لختی از نکات راهگشا را در این باره قلمی کند.

هرچند مصباح الثور در دست ما نیست تا سنجش کیفی روشنی میان آن و جوابات اهل الموصل به عمل آوریم، دور نیست تعبیر یکی از پژوهشگران معاصر که به صراحت جوابات اهل الموصل را تلخیص مصباح الثور قلم می‌دهد،^{۱۴} درست باشد.

رساله جوابات اهل الموصل از دیرینه‌ترین اسناد مبسوط مکتب اجتهاد در مذهب امامی است و < شیوه استدلال شیخ مفید و بحث او با مخالفان، تصویری از آن طریقه فقهی که قدماء مجتهدان می‌پیموده‌اند به دست ما می‌دهد و از نشانه‌های اجتهاد در روزگاران بسیار دور، پرده برمی‌گیرد.

شگفت آن است که می‌بینیم شیخ مفید در این رساله بر اسلوبهایی استدلالی تکیه می‌کند که آن اسلوبها در طریقه‌های فقهی معاصر ما نیز مورد اعتماد و اتکاء اند. او پس از آنکه حجیت آنچه را که از آیات قرآن برمی‌آید و از لفظ آیه دریافت می‌شود، اثبات می‌کند - به آیه قرآن استدلال می‌نماید.

سپس به اطلاق عرفی و مفهوم متداول در میان مردمان روی می‌آورد و آنگاه مسلمات فقهی را که مستلزم ثبوت رای مشهوراند گواه می‌گیرد. همچنین متعرض أدلّه مخالفان می‌شود که اهم آنها اخبار مرویه‌ای هستند که شیخ آنها را از حیث سند و دلالت مردود می‌شمارد.

وی سپس این سخن خدای متعال را که می‌فرماید: ﴿لَسْتُكُمْ لَوِا الْعِدَّةَ﴾ <س ۲، ی ۱۸۵>، بدین تفسیر می‌کند که مراد از آن کامل گردانیدن روزه ماه رمضان بنا بر شمار آن است، خواه ماه تمام باشد و سی روزه، و خواه ماه ناقص باشد و بیست و نه روز؛ و آیه در صدد تعیین این شمار (/ العِدَّة) نیست.^{۱۵}

شیخ مفید همچنین استناد به این سخن امام صادق - علیه السلام - را که فرموده: «خذوا بما خالف العامة» (یعنی: بدانچه با <مذهب> عامّه ناسازگار است تمسک نمائید)، از این روی مردود می‌شمارد که - چنان که خواهد آمد - <به عقیده وی> این سخن ناظر به احکام شرعی نیست.

در فرجام رساله نیز روایات پُر شمار دلالنگر بر قول مشهور را عرضه می‌دارد. گفتنی است که مسأله «عدد و رؤیت» بخش بزرگی از کوششهای علمی شیخ مفید را به خود اختصاص داده و در مؤلفات وی چند کتاب در این موضوع می‌بینیم که عبارت اند از:

۱. مصباح النور فی علامات أوائل الشهور - که «از آن یاد شد و» مفید آن را در آغاز همین رساله (چنان که در فصل نخست آن می‌توانید دید) و نیز پس از آن بتکرار یاد کرده است.

«اگرچه در متن جوابات اهل الموصل نام این اثر - به همین گونه که آمد - مصباح النور ضبط شده^{۱۶}، در برخی منابع کهن و معتبر^{۱۷} و از جمله در بعض دیگر آثار شیخ مفید^{۱۸}، از این کتاب به عنوان مصابیح النور سخن رفته است.^{۱۹} شیخ در آغاز جوابات اهل الموصل، مصباح النور را کتابی در ارباع منصوری (که گویا در آن زمان حجم معروف و متداولی بوده است) و به خط متوسط در حدود یکصد و پنجاه برگ، معرفی کرده است که خواهند را در موضوع خود از دیگر نگارهای بی‌نیاز خواهد کرد.^{۲۰}

مصباح (یا مصابیح) النور از آثار مفقود شیخ مفید است.^{۲۱} این کتاب در اختیار ابوالعباس نجاشی (۳۷۲ - ۴۵۰ ه. ق) بوده،^{۲۲} ولی گویا ابن طاوس نیز آن را ندیده بوده و تنها از رهگذر بازبردی از خود شیخ مفید از آن یاد می‌کند.^{۲۳}

۲. جواب اهل الزمّة فی الأهلّة و العدد.
«رقه شهری است بلند آوازه بر کرانه خاوری فرات، بین موصل و حرّان، که میان آن و حرّان دو سه روزه راه است.^{۲۴} این اثر نیز در شمار نگارهای مفقود شیخ مفید است^{۲۵}».

۳. جوابات اهل الموصل فی العدد و الزمّة - که همین کتاب مورد گفت و گوی ماست.
«مفید در المسائل الشریعة آن را به همین نام یاد کرده است، لیک دیگران از آن به عنوان ردّ العدد و الرسالة العددیة و جوابات المسائل الموصلیات و الهلایة نیز یاد کرده‌اند.^{۲۶} نسخه‌های متعددی از آن هست^{۲۷} که نمودار اعتنای دانشمندان امامی است بدان. همچنین متن کامل آن را علی بن محمد بن حسن عاملی (در گذشته به ۱۱۰۳ ه. ق)، نواده شهید ثانی - رضوان الله علیهما - در کتاب پُراج الدرّ الثور من المأثور و غیر المأثور (در طبع قم: ۱ / ۱۲۲ - ۱۳۴) نقل کرده است.^{۲۸}

۴. کتاب لمح البرهان که در جوانی و در تأیید نظریه «أصحاب عدد» نوشته بود، لیک چنان که گفتیم از آن رأی بازگشت. متأسفانه متن این کتاب بر جای نمانده. برخی از کتابی جداگانه به عنوان الردّ علی الصدوق فی عدد شهر رمضان یاد کرده‌اند که آن را نیز بر این فهرست می‌توان افزود.^{۲۹} به قولی این رساله همان الردّ علی ابن بابویه است که ابن شهر

آشوب (در گذشته به ۵۸۸ ه. ق) یاد کرده.^{۳۰}

یکی از کتابشناسان معاصر که رساله ردّ بر صدوق را همان رساله جوابات أهل الموصل پیشگفته می‌داند، معتقد است: «از آنجا که شیخ صدوق قائل به عدد بوده و این رساله ردّ قول به عدد است، به رساله ردّ بر صدوق مشهور شده است».^{۳۱} وی در باب الردّ علی ابن بابویه که ابن شهر آشوب یاد کرده، این احتمال را مطرح می‌داند که مربوط به ردّ نظریه سهو النبی - صلی الله علیه و آله - باشد.^{۳۲}

جوابات أبی الحسن النیشابوری و الأجوبة عن المسائل الخوارزمية شیخ مفید نیز به گمان بعض پژوهندگان بر فهرست پیشین افزودنی است،^{۳۳} کما اینکه احتمال داده شده دو کتاب عدد الصوم والصلاة و جوابات النضر بن بشیر فی الصیام نیز که در عداد آثار شیخ مذکورند، به همین بحث راجع باشند.^{۳۴}

به هر روی هیچ‌یک از این چند اثر اخیرالذکر در اختیار نیستند و داوری قطعی و روشن درباره آنها آسان نمی‌نماید.

گفتنی است ابوالفتح محمد بن علی بن عثمان کراچکی (در گذشته به ۴۴۹ ه. ق)، شاگرد نامی سید مرتضی، نخست از «اصحاب عدد» بوده، ولی او نیز بسان استاد استادش، مفید، از این رأی عدول کرده و به «اصحاب رؤیت» پیوسته است.

وی کتاب کوچک مختصر الیان عن دلالة شهر رمضان را در این باره و در تأیید «اصحاب عدد» نوشته بود، ولی از این قول عدول نمود، جواب الرسالة الخوارزمية را در چهل برگ در ردّ ابوحازم مصری و ابطال عقیده به «عدد» نوشت. کتاب دیگر او در ابطال عقیده به «عدد»، الکافی فی الاستدلال است که در مصر تألیف کرده و مشتمل بر حدود یکصد برگ بوده است.^{۳۵}

بسیار درخور توجه است که مخاطب رساله ردیه سید مرتضی بر «اصحاب عدد»، بنا بر دستنوشتی که در کتابخانه آستان قدس رضوی (ع) نگاهداری می‌شود، همین شیخ ابوالفتح کراچکی بوده که رساله‌ای در تأیید رأی اصحاب عدد به نزد سید مرتضی فرستاده بوده است.^{۳۶}

بر اثر تلاشهای گسترده شیخ مفید و کسانی چون سید مرتضی که راه او را در دفاع از نظریه «اصحاب رؤیت» پی گرفتند، به مرور نظریه «اصحاب عدد» تضعیف و حتی نابود شد؛ به نحوی که ابن طاوس در سده هفتم هجری هیچ دانشمند امامی را در میان همروزگاران خویش نمی‌شناخت که قائل به چنان قولی باشد. وی در مضمار السبق

می گوید:

واعلم انّ اختلاف أصحابنا فی شهر رمضان، هل يمكن أن يكون تسعة و عشرين يوماً على اليقين، أو أنّه ثلاثون لا ينقص أبد الأبدین، فإنّهم كانوا قبل الآن مختلفین، و أمّا الآن فلم أجد ممّن شاهدته، و أو سمعتُ به فی زماننا - و إن كنت ما رأيتَه - أنّهم يذهبون إلى أنّ شهر رمضان لا يصحّ عليه التّقصان، بل هو كسائر الشّهور فی سائر الأزمان.^{۳۷}

(حاصل معنا:

بدان که اختلاف همکیشان ما درباره ماه رمضان این بود که آیا ممکن است بی گمان بیست و نه روز باشد یا تا همیشه سی روز خواهد بود. ایشان پیش از این در این باب اختلاف داشتند، لیک هم اکنون در میان کسانی که دیده‌ام یا در این زمان نظرشان را شنیده‌ام، ولی خودشان را ندیده‌ام، کسانی را نیافته‌ام که معتقد باشند کاستی پذیرفتن ماه رمضان روا نیست؛ بلکه آن را چون دیگر ماهها در دیگر زمانها می‌دانند.)

نظریّه «أصحاب عدد» تا این روزگار چنان و چندان مورد نقد و طرد واقع شده بود که رکن رکن فقه امامی، محقق حلّی - رضوان الله علیه - (در گذشته به ۶۷۶ ه. ق)، در المعبر، بی محابا، قائلان به نظریّه عدد را «حشویّه» می‌خواند.^{۳۸}

امروز از تکنگاریهای ارزشمندی که در سده‌های چهارم و پنجم، در حوزه امامیه^{۳۹} و طیّ منازعات علمی «أصحاب عدد» و «أصحاب رؤیت» پدید آمده بوده است و احتمالاً تنها نام و نشان گوشه کوچکی از آن مجموعه در اختیار ماست، مع الأسف جزّ دو رساله کامل در اختیار نداریم: یکی جوابات اهل الموصل فی العدد و الرؤیة، معروف به الرّسالة العددیة، نوشته شیخ مفید. دیگری الرّد علی أصحاب العدد نوشته سید مرتضی.

بازگردیم به جوابات اهل الموصل شیخ مفید: <

این رساله > افزون بر موضوع اصلی خود < دربردارنده چند بحث کرامند > دیگر < است:

۱. باب نوادر را که در حدیثنامه‌ها در پایان کتابهای فقهی سامان داده می‌شود، مورد تفسیر قرار داده و گفته است: «النّوادر هی^{۴۰} التي لا عمل علیها» (یعنی: نوادر آن احادیثی‌اند که بنا بر آنها عمل نمی‌شود). این نشان می‌دهد احادیثی که در بخش نوادر وارد می‌شوند، فاقد حجّیت‌اند.

>البته از درنگی کوتاه در کتاب من لایحضره الفقیه نیک هویدا می‌شود که مردی چون

صدوق اگرچه اخبار نُقصان ناپذیری ماه رمضان را در بخش «نوادر» آورده و در شمار نوادر قلم داده، به هیچ وجه به عدم حجّیت آنها قائل نبوده، بلکه آنها را صحیح می‌دانسته و به آنها عمل می‌کرده است.^{۴۱}

پس باید گفت خصیصه‌ای (از قبیل شذود یا...) در احادیث بابِ «نوادر» بوده که آنها را تحت این عنوان گرد می‌آورده است، با این تفاوت که این خصیصه، حدیث را نزد ناقدانی اجتهادگرا - چون مفید، تضعیف می‌نموده، ولی نزد اخباری مشربانی چون صدوق، از اعتبار نمی‌انداخته.^{۴۲}

به قولی شاید اینکه شیخ الطائفه در تهذیب به جای عنوان «نوادر» از عنوان «زیادات» بهره برده، از روی خواهانی آن بوده که خواننده روایات آن بخش را «مستدرک» و نه از جنس روایات شاذ بشمارد.^{۴۳}

به دیگر سخن، احتمالاً اصطلاح بابِ «نوادر»، نزد اجتهادگرایانی چون مفید، لوازمی متفاوت از آنچه امثال صدوق بدان ملتزم می‌بوده‌اند، إلقاء و إلیزام می‌کرده است - که البته باید در آن ژرف تر مطالعه کرد.

۲. شیخ <به نوعی > تصریح نموده که نبود حدیث هر راوی در آن کتاب <موسوم به > «أصل»^{۴۴} که راوی یاد شده تألیف کرده است، موجب ضعف حدیث می‌گردد <و آن حدیث را در شمار ضعیف داخل می‌کند >.

<واقعیت آن است که شیخ مفید از تضعیف چنین حدیثی فراتر رفته آشکارا آن را مجعول و برساخته می‌داند.

عین عبارت وی درباره حدیثی مُنتسب به امام صادق - علیه السّلام - که یعقوب بن شعیب در سند آن قرار دارد، از این قرار است:

... انَّ یَعْقُوبَ بْنَ شُعَيْبٍ - رَحِمَهُ اللهُ - أَضْلَقَ قَدْ جَمَعَ فِيهِ كَافَّةَ مَا رَوَاهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ، لَيْسَ هَذَا الْحَدِيثُ مِنْهُ؛ وَ لَوْ كَانَ مِمَّا رَوَاهُ يَعْقُوبُ بْنُ شُعَيْبٍ لَأُورِدَهُ فِي أَصْلِهِ الَّذِي جَمَعَ فِيهِ حَدِيثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - وَ خَلَوْا أَصْلَهُ مِنْهُ، دَلِيلٌ عَلَى أَنَّهُ مَوْضُوعٌ.^{۴۵}

(حاصل معنا:

یعقوب بن شعیب را - که خدایش رحمت کند! - اصلی است که در آن همه آنچه را از حضرت أبو عبدالله [/ امام صادق - علیه السّلام] - روایت کرده است گرد آورده. این حدیث، از آن اصل نیست؛ و اگر از احادیثی بود که یعقوب بن شعیب روایت کرده، هر

آینه آن را در اصل خویش که روایات خود را از حضرت أبو عبدالله [/ امام صادق] -
علیه السلام - در آن گرد آورده، وارد کرده بود. تهی بودن اصل یعقوب بن شعیب از این
حدیث، نشان می‌دهد که این روایت مجعول است.) <

۳. گروهی از روایان را به عنوان «الأعلام الرُّؤساء، المأخوذ عنهم الحلال والحرام،
والفتنیا والأحكام، والذین لا مطعن علیهم ولا طریق إلى ذم واحدٍ منهم، وهم أصحاب
الأصول المدونة، والمصنفات المشهورة» (یعنی: نامداران مهتر که مرجع حلال و حرام و
فتوا و احکام‌اند و کسانی که نه طعنی در حقشان روان است و نه مذمتی متوجه هیچ‌یک
از ایشان، همان کسان که صاحبان اصل‌های مدون و مصنفات مشهوراند) وصف کرده
است.

شاید این را که شیخ مفید این گروه را بدین ویژگیها بازخوانده، با این خصوصیت که
«نه طعنی در حقشان روان است و نه مذمتی در باب هیچ‌یک از ایشان رسیده»، بتوان در
اعتماد بر ایشان و بی‌نیازیشان از تصریح به وثاقت، بسنده شمرد. بدین سان، بابی
گشوده می‌گردد که تکیه بر آن در بررسی‌های رجالی شدنی است و اطمینان به پاره‌ای از
شیوه‌های مورد تبعیت را در این باره افزایش می‌دهد.

> بسیاری از دانشمندان امامیه به این عبارت رساله مفید و اهمیت آن در علم رجال
توجه داشته‌اند. <^{۴۶}

۴. شیخ، مراد از مخالفت با عامه را در خصوص آنچه در مسائل امامت رسیده است
می‌داند، نه در احکام شرعی.

۵. > به عقیده وی < ممکن نیست احادیثی که در باب احکام از رهگذر تقیه صدور
یافته‌اند، از طرق معروف رسیده باشند و صرفاً به نحو شاذ و نادر ورود می‌یابند، نه در
آنچه جمهور فقیهان نقل و بیشترینه عالمان بدان عمل می‌کنند.

> ۶. شیخ مفید درباره یکی از احادیث مورد تمسک «اصحاب عدد» - که از جوامع
حدیثی متقدمان، عیناً در تهذیب و استبصار، و با تفاوت اندک سندی یا متنی در فقیه و
کافی، راه یافته ^{۴۷} - می‌گوید:

هذا الحدیث شاذ مجهول الإسناد، لوجاء بفضل صدقة أو صیام، أو عمل برّ،
لوجب التوقف فيه، فكيف إذا جاء بشيء يخالف الكتاب والسنة وإجماع الأمة
و... و من عول على مثل هذا الحدیث فی فرائض الله تعالى، فقد ضلّ ضلالاً
بعيداً...^{۴۸}

(حاصل معنا:

این حدیث شاذّ و مجهول الاسناد است. اگر در فضیلت دهشی یا روزه‌ای یا نیکوکاری رسیده بود، باز می‌بایست در آن توقف می‌کردیم؛ تا چه رسد به آنکه حکمی مخالف کتاب و سنت و اجماع اُمت آورده و...، و هر که در باب فریضه‌های الهی بر چُنین حدیثی تکیه کند، سخت گمراه گشته!...).

همان بخش مقدّم سخن شیخ مورد نظر ماست (: لوجاء بفضل... / اگر در فضیلت...). بر این بنیاد، شیخ مفید چُنین حدیثی را حتّی برای مستحبات و مندوبات نیز دست‌آویز نیکویی نمی‌داند و این نشان می‌دهد تلقّی فراخ‌دارانه برخی فقیهان در باب قاعده «تسامح در أدلّه سنن»، پذیرفته شیخ مفید نیست. این نحوه نگرش سبب می‌شود هر حدیث ضعیفی، به صرف دستیاب شدن در جوامع حدیثی، محمل تعیین مستحبات واقع نگردد و چهره دین اندک دیگرگون و مخدوش نشود و جغرافیای ارزشها و هنجارها (بر اثر وجود اخبار ضعیف و غیر قابل استنادی که استحباب فلان عمل از آنها مستفاد گردیده است!) برهم نخورد.

باری، این کتاب <علی رغم موضوع خاصّ و فقهی و فرعی اش و با اینکه در نگاه نخست شاید رساله‌ای در عداد صدها تکنگاری فقهی دیگر محسوب گردد>، مفید به شمار می‌رود که نزد عالمان بزرگ <شناخته و< متداول بوده و در بسیاری از کتابهای فقه و حدیث و رجال به تکرار از آن یاد شده است.

<جوابات أهل الموصل> به ویژه از حیث آموزش روش نقد حدیث و شیوه استنباط، برای متفکّهان و محدّثان امروز درسهای آموزنده و ژرف و نکته‌های بررسیدنی و شگرفی دارد که بازکاویدنشان ای بسا آفاق تازه‌ای در پویایی تفقّه و حدیث‌شناسی بگشاید.

از جوابات أهل الموصل دو تصحیح در دست است:

یکی تصحیح دانشمند محترم، شیخ مهدی نجف، که به سال ۱۴۱۳ ه. ق، از سوی کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، در قم انتشار یافت و متأسفانه اگرچه با مقابله و تصحیح و سازواره انتقادی انتشار یافته، فاقد پژوهشنامه کارآمدی از مصحح است که راهنمای خوانندگان بتواند بود.

دیگر تصحیح مندرج در مجموعه میراث فقهی (۲): رؤیت هلال که هرچند علاوه بر پژوهشیانگی کار مصححان، از بازویرایی فقیه و محدّث خبیر و مرجع دینی عالی قدر،

آیه الله سیّد موسیٰ شبیری زنجانی، نیز برخوردار بوده، مع الأسف فاقد سازواره انتقادی و برخی ممیّزات دیگر تصحیح علمی و فنی است.

به نظر می‌رسد در نشر چُنین آثار عتیق و عریق، باید از گزارش کوچکترین دگرسانیهای نسخ، تن نزد، و هیچ یک از فوائد سازواره انتقادی دقیق و گویا را مهمل نشمرد.

پس جای چاپ بهتری از این رساله مهمّ و سازنده شیخ مفید - رَفَعَ اللهُ دَرَجَتَهُ - هنوز خالی است >.

خدای را سپاس و ستایش می‌گوئیم که ما را کامیاب گردانید و به دهش و نکوکاری‌اش از او می‌خواهیم که از ما خشنود باشد و به بزرگواری و شکوه خویش از ما در پذیرد که او خداوند شکوه و ارج است.

پی‌نوشت‌ها

۱. > شیخ مفید صورتی را که بعضی قائلان به سی روزگی همیشگی و نقصان ناپذیری رمضان از این حدیث به دست داده‌اند، مورد انتقاد قرار داده و صورت کامل آن را به دست می‌دهد.

نگر: جوابات اهل الموصل فی العدد والوزیة، تحقیق شیخ مهدی نجف، صص ۴۶ - ۴۷ >.

۲. > «عامّه» بر اهل تسنّن و «خاصّه» بر اهل تشیع اطلاق می‌شود. گویا آغاز این نحوه اطلاق از سوی شیعیان بوده است. این مطلب تا حدودی از آنچه ابن حجر عسقلانی (درگذشته به ۸۵۲ هـ. ق.) در لسان المیزان در گزارش حال ابن ندیم، صاحب الفهرست می‌نویسد، برمی‌آید. وی می‌نویسد:

«... وَ لَمَّا طَالَعْتُ كِتَابَهُ ظَهَرَ لِي أَنَّهُ رَافِضِيٌّ مُتَزَلِّيٌّ، فَإِنَّهُ يُسَمِّي أَهْلَ السُّنَّةِ الْحُسَيْنِيَّةَ وَ يُسَمِّي الْأَشَاعِرَةَ الْمُجَبَّرَةَ وَ يُسَمِّي كُلَّ مَنْ لَمْ يَكُنْ شِيعِيًّا عَامِيًّا» (لسان المیزان، ۵ / ۷۲).

(حاصل معنا:

و چون کتابش را مطالعه کردم، از برایم هویدا شد که او رافضی معتزلی است، چه، وی اهل سنّت را «حسویه» می‌خواند، و اشعریان را «مُجَبَّرَه» می‌گوید، و هر که را شیعی نباشد «عامی» می‌نامد).

(از استاد سیّد محمّد رضا حسینی جلالی - دام غلاه - سیاست‌گزارم که توجّه مرا بدین گزارش عسقلانی جلب فرمودند.) <

۳. > نگر: میراث فقهی (۲): رؤیت هلال، ۱ / چهل و نه؛ و: جهود الشّیخ المفید الفقّهیّة و مصادر استنباطه، محمّد حسین نصّار، صص ۱۴۱ - ۱۴۲.

عین تعبیر «اصحاب العدد» را بنگرید در: جوابات اهل الموصل شیخ مفید، ط. شیخ مهدی نجف، صص ۱۶ و ۱۹ و ۲۵ و ۳۸؛ و مسائل الناصریات سیّد مرتضی، صص ۲۹۲؛ و: رسائل الشّریف المرفّعی، ۱ / ۲۹۳ و ۱۵ / ۲ و ۲۰ و ۳۰ و ۳۵ و ۴۶؛ و: الاستبصار شیخ طوسی، تحقیق خراسان، ۲ / ۷۱ و ۷۶ - ۷۷؛ و: تهذیب الأحکام همو، تحقیق خراسان، ۲ / ۱۵۴ و ۱۷۴ / ۴؛ و: مجمع البیان طبرسی، ط. أعلمی، ۲ / ۲۷، و مختلف الشیعة علامه حلی، ط. مؤسسه النشر

- اصطلاح «أصحاب الرؤیة» را در مقابل «أصحاب العدد» و در همین موضوع مورد گفت و گوی خویش در نگارشهای سید مرتضی می بینیم (نگر: رسائل الشریف المرتضی، ط. رجائی، ۲/ ۲۵ و ۳۵)؛ لیک وی این اصطلاح را در باب کسانی که به رؤیت باری تعالی در رستخیز قائل اند نیز به کار برده (نگر: أمالی سید مرتضی، تحقیق السید محمد بدرالدین التمانی الحلبي، ۱/ ۲۸) که بالطبع پیوندی با ما نحن فيه نخواهد داشت. <
۴. <نگر: میراث فقهی (۲)، ۱/ یکصد و هفتاد و چهار. >
۵. < میراث فقهی (۲)، / چهل و نه. >
۶. <الخصال، به اهتمام صادق حسن زاده، ۲/ ۷۹۸. >
۷. <گفتنی است ترجمه آقای صادق حسن زاده از این عبارت خصال (۲/ ۷۹۹)، به ویژه در بخش فرجامین آن، تهی از لغزش نیست و با حرکتگذاری خودشان در متن عربی نیز نمی سازد. زین رو ما با استقلال ترجمه کردیم. >
۸. <ترجمه و متن کتاب من لایحضره الفقیه، ۲/ ۵۲۴-۵۲۵، پس از حدیث ۲۰۴۴. >
۹. <این را که در توضیحات ترجمه و متن کتاب من لایحضره الفقیه (۲/ ۵۲۴) آمده است: «این بر اساس عدم رؤیت است و در صورت رؤیت جای سخن و بخشی نیست»، گویا باید «تفسیر بما لا یؤضی صاحبه» قلم داد.
- در باب کلام صدوق، همچنین نگر: لوامع صاحبقرانی، ط. اسماعیلیان ۶/ ۶۳۸-۶۳۹؛ و: روضة المتقین، ط. کوشانیور، ۳/ ۴۶۶-۴۶۷. >
۱۰. <نگر: میراث فقهی (۲)، ۱/ پنجاه و یک. >
۱۱. <نگر: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مقاله «ابن بابویه» به قلم آقای احمد پاکتچی. >
۱۲. <نگر: میراث فقهی (۲)، ۱/ پنجاه؛ و: جهود الشیخ المفید الفقهیة، ص ۱۴۲؛ و: کتابخانه ابن طاوس، صص ۳۳۷-۳۳۸ و ۴۰۸-۴۰۹؛ و: الذریعة، ۵/ ۲۳۶. >
- تردید جزئی کلبرگ را در باب یگانگی کمال شهر رمضان و لمح البرهان مسطور در کتاب ابن طاوس (نگر: کتابخانه ابن طاوس، صص ۳۳۷-۳۳۸)، شاید همچنان در گوشه ذهن بتوان حفظ کرد. <
۱۳. <سنج: میراث فقهی (۲)، ۱/ پنجاه - پنجاه و دو؛ و: کتابخانه ابن طاوس، ص ۴۰۹. >
۱۴. <نگر: کتابخانه ابن طاوس، ص ۴۰۹. >
۱۵. <از برای ملاحظه آنچه شیخ طوسی و شیخ طبرسی و راوندی و فاضل جواد و جزائری (صاحب قلائد الدرر) و نیز سید مرتضی - رضوان الله علیهم اجمعین - در این باره گفته اند، نگر: میراث فقهی (۲)، ۱/ ۱۲-۹ و ۱۵-۱۸ و ۱۶۱-۱۶۴. >
۱۶. <نگر: ط. شیخ مهدی نجف، ص ۱۵ و ۲۶ و ۴۶. >
۱۷. <إقبال الأعمال، تحقیق قیومی، ۱/ ۳۵؛ و: رجال النجاشی، تحقیق آیه الله شیبیری زنجانی، ص ۳۹۹ و ۴۴۷؛ و: معالم العلماء ابن شهر آشوب، ط. بحر العلوم، ص ۱۴۹. >
۱۸. <المسائل الشریفة، تحقیق صائب عبدالحمید، ص ۷۵؛ و: تصحیح اعتقادات الإمامیة، تحقیق درگاهی، ص ۱۴۷. >
۱۹. <نیز نگر: میراث فقهی (۲)، ۱/ پنجاه. >
۲۰. <نگر: ط. شیخ مهدی نجف، ص ۱۵. >
۲۱. <سنج: جهود الشیخ المفید الفقهیة...، ص ۵۵. >

۲۲. <نگر: رجال النجاشی، تحقیق آیه الله شبیری زنجانی، ص ۴۴۷.>
۲۳. <سنج: کتابخانه ابن طاوس، ص ۴۰۹.>
۲۴. <نگر: الذریعة، ۵ / ۱۸۱؛ و: اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ص ۴۱.>
۲۵. <سنج: جهود الشيخ المفید الفقیه...، ص ۴۵.>
۲۶. <نگر: الذریعة، ۵ / ۱۷۷ و ۱۱ / ۲۰۹؛ و: جهود الشيخ المفید الفقیه...، ص ۳۸؛ و: الفوائد الرجالیة بحرالعلوم، ۳ / ۱۶۳ و ۱۸۴.>
۲۷. <نگر: الذریعة، ۵ / ۲۳۵.>
۲۸. <نگر: الذریعة، ۱۱ / ۲۰۹؛ و: میراث فقهی (۲) / ۱ / ۱۳۴؛ و: کتابخانه ابن طاوس، ص ۴۰۹.>
۲۹. <نگر: جهود الشيخ المفید الفقیه...، ص ۱۴۳ و ۴۸.>
۳۰. <نگر: جهود الشيخ المفید الفقیه...، صص ۴۸ - ۴۹.>
۳۱. <میراث فقهی (۲) / ۱ / ۱۳۴.>
- البته تقدّم در قول به این اتحاد از آن پیشینیان است. نگر: الفوائد الرجالیة وحید بهبهانی (ضمیمه رجال الخاقانی)، ص ۳۴؛ و: الفوائد الرجالیة سید بحرالعلوم، ۳ / ۶۵؛ و: خاتمه مستدرک الوسائل ۳ / ۴۷۸. شاید از بعض دستنوشته‌های رساله نیز این اتحاد مستفاد شود.
- سنج: جهود الشيخ المفید الفقیه...، ص ۱۴۴.
۳۲. <نگر: میراث فقهی (۲) / ۱ / ۱۳۴.>
۳۳. <نگر: جهود الشيخ المفید الفقیه...، ص ۱۴۳.>
۳۴. <نگر: جهود الشيخ المفید الفقیه...، ص ۱۴۴.>
۳۵. <نگر: الذریعة ۵ / ۱۸ و ۱۱ / ۲۰۹ و ۱۸ / ۳۴۰ - ۳۴۱ و ۲۰ / ۱۸۳؛ و: خاتمه مستدرک الوسائل، ط. مؤسسه آل البيت - علیهم السلام - ۳ / ۱۲۹ و ۱۳۳. و: اقبال الأعمال، ط. قیومی، ۱ / ۳۵.>
۳۶. <نگر: میراث فقهی (۲) / ۱ / ۱۵۳.>
۳۷. <اقبال، ط. قیومی، ص ۳۳.>
۳۸. <المعتبر، ط. مؤسسه سید الشهداء - علیهم السلام - ۲ / ۶۸۸.>
۳۹. <به یاد داشته باشیم نظیر گرایش «اصحاب عدد» امامی مذهب، در میان اسماعیلیّه نیز بوده است؛ چنان که حمیدالدین کرمانی در الرسالة اللازمة و ابن ابی عمران (درگذشته به ۴۷۰ هـ. ق) در السیره المؤیدیه، همین نظریه را مطرح کرده‌اند. نگر: الذریعة، ۱۵ / ۲۳۳.>
- حمیدالدین الرسالة اللازمة را در پاسخ کسی نوشته است که روزه داشتن شیعیان اسماعیلی را پیش از عامّه، مورد طعن قرار داده بود. نگر: الذریعة، ۱۸ / ۲۶۷.
- آنچه حمیدالدین درباره آن به روشنگری پرداخته، گویا همان روندی است که گوشه‌ای از اخبارش در کتاب نقض عبدالجلیل قزوینی رازی بازتافته. نگر: نقض، تحقیق محدث ارموی، صص ۵۶۸ - ۵۶۹؛ و نیز سنج: صص ۶۱۸ - ۶۱۹.>
۴۰. <«هی» - احتمالاً در چاپ از قلم افتاده بود؛ از متن رساله مفید (ط. شیخ مهدی نجف، ص ۱۹) برافزودیم.>
۴۱. <کما اینکه مجلسی اول - رضوان الله علیه - در لوامع صاحبقرانی می نویسد: «این بابی است در احادیث شاذّه نادره

- و لیکن اگرچه نادر است، اما به آن عمل کرده است صدوق.» (ط. إسماعیلیان، ۶ / ۶۳۴).
- بلکه به قول مرحوم آیه الله خونی، شیخ صدوق در صحیح شمردن احادیث نقصان ناپذیری رمضان بسیارکوشی و مبالغت به خرج می دهد (نگر: معجم رجال الحديث، ۱ / ۳۰). <
۴۲. وحید بیهانی هوشیارانه بدین تفاوت تفتن ورزیده است. نگر: الفوائد الرجائیة ضمیمه رجال الخاقانی، ص ۳۴؛ و: طوائف المقال بروجردی، ۲ / ۳۶۲. گرچه این تفتن به تفاوت، ریشه در سلف او دارد؛ نگر: روضة المتقین، ط. کوشانیور، ۳ / ۴۶۲. <
۴۳. < نگر: کثبات فی علم الرجال سبحانی، ص ۴۷۹ (هایش). <
۴۴. > «اصل» اصطلاحاً بر شماری از تألیفات روات امام صادق - علیه السلام - اطلاق می گردد که غالباً دربردارنده احادیث مروی از طریق سماع از آن حضرت بوده.
- تفصیل را، نگر: اصول اربعه، علامه محمد حسین حسینی جلالی، ترجمه جوینا جهانبخش، Chicago: The open school. <
۴۵. > جوابات أهل الموصل، ص ۲۴. <
۴۶. > نمونه را، نگر:
- مفتاح الکرامه ۵ / ۴۶۶؛ و: خانمة مستدرک الوسائل، ۴ / ۲۱۵ و ۵ / ۸ و ۴۱۲؛ و: سماء المقال ۲ / ۷۹؛ و: المعتمد فی شرح المناسک خلخالی (تقریرات آیه الله خونی) ۴ / ۱۷۹؛ و: مکاسب المحرمه آیه الله خمینی ۱ / ۲۱۲. <
۴۷. > نگر: جوابات أهل الموصل ط. شیخ مهدی نجف، صص ۲۱ - ۲۲. <
۴۸. > جوابات أهل الموصل، ط. شیخ مهدی نجف، ص ۲۲. <

کتابنامه ترجمان

- إقبال الأعمال، السید رضی الدین علی بن موسی بن جعفر بن طاوس (۵۸۹ - ۶۶۴ ه. ق.)، تحقیق جواد القیومی الاصفهانی، ۳ ج، ط: ۱، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۴ - ۱۴۱۶ ه. ق.
- الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، شیخ الطائفة أبو جعفر محمد بن الحسن الطوسی (ف: ۴۶۰)، ۴ ج، حقه و علق علیه: السید حسن الموسوی الخراسان، طهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۹۰ ه. ق.
- الخصال المحموده والمذمومه، شیخ صدوق (محمد بن علی بن بابویه / درگذشته به ۳۸۱ ه. ق.)، ترجمه صادق حسن زاده، ج ۲، ج ۱، قم: انتشارات فکرآوران، ۱۳۸۴ ه. ش.
- الذریعة الی تصانیف الشیعة، الشیخ آقا بزرگ الطهرانی، ط: ۳، بیروت: دارالأضواء، ۱۴۰۳ ه. ق.
- الفوائد الرجائیة، السید بحر العلوم - رجال السید بحر العلوم.

الفوائد الرجالية، الوحيد البهبهاني (١٢٠٥ هـ. ق)، ط. به ضمیمه رجال الخاقاني.
المسائل الشروية، الشيخ المفيد (محمد بن محمد بن نعمان، ابن المعلم، ابو عبد الله العكبري
البغدادي / ٣٣٦ - ٤١٣ هـ. ق)، تحقيق صائب عبد الحميد، قم: المؤتمر العالمي لألفية
الشيخ المفيد، ١٤١٣ هـ. ق.

المعتبر في شرح المختصر، المحقق الحلّي (نجم الدين أبو القاسم جعفر بن الحسن / ف: ٦٧٦
هـ. ق) تحقيق عدة من الأفاضل، بإشراف آية الله ناصر مكارم الشيرازي، ٢ ج، ط: ١، قم:
مؤسسة سيّد الشهداء - عليه السلام - ١٣٦٤ هـ. ش.

المعتمد في شرح المناسك (محاضرات آية الله السيّد أبو القاسم الموسوي الخوئي)، السيّد رضا
الخلخالي، ج ٤، ط: ١، ١٤٠٧ هـ. ق.

المكاسب المحرّمة، آية الله روح الله الموسوي الخميني، ٢ ج، قم: مؤسسة اسماعيليان،
ط: ٣، ١٤١٠ هـ. ق.

انديشه های كلامي شيخ مفيد، مارتين مكدرموت، ترجمه احمد آرام، تهران: انتشارات
دانشگاه تهران، ١٣٧٢ هـ. ش.

أصول أربعماه، محمد حسين حسيني جلالی، ترجمه جویا جهانبخش،

Chicago: The open school

ترجمه و متن كتاب من لا يحضره الفقيه شيخ صدوق، مترجم: صدر بلاغي و محمد جواد
غفاري، ج: ٢، ج: ١، تهران: نشر صدوق، ١٣٦٩ هـ. ش.

تصحیح اعتقادات الإمامية، الشيخ المفيد (محمد بن محمد بن نعمان، ابن المعلم، أبو عبد الله
العكبري البغدادي / ٣٣٦ - ٤١٣ هـ. ق)، تحقيق حسين درگاهی، ط: ٢، بيروت:
دارالمفيد، ١٤١٤ هـ. ق.

تهذيب الأحكام، شيخ الطائفة أبو جعفر محمد بن الحسن الطوسي (ف: ٤٦٠ هـ. ق) حقه و
علق عليه: السيّد حسن الموسوي الخراسان، ١٠ ج، طهران: دارالكتب الإسلامية،
١٣٩٠ هـ. ق.

جوابات أهل الموصل في العدد والزوية، الشيخ المفيد (محمد بن محمد بن نعمان، ابن المعلم،
أبو عبد الله العكبري البغدادي / ٣٣٦ - ٤١٣ هـ. ق)، تحقيق الشيخ مهدي نجف، قم:
المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد، ١٤١٣ هـ. ق.

جهود الشيخ المفيد الفقيهية و مصادر استنباطه، محمد حسين نصار، ط: ١، قم: مركز انتشارات
دفتر تبليغات اسلامي حوزة علميه قم، ١٣٧٩ هـ. ش / ١٤٢١ هـ. ق.

خاتمة مستدرک الوسائل، الميرزا حسين الثوري (١٢٤٥ - ١٣٢٠ هـ. ق)، تحقيق ونشر: مؤسسه آل البيت - عليهم السلام - لإحياء التراث، ١٤١٥ - ١٤١٦ هـ. ق.

دائرة المعارف بزرگ اسلامي، زير نظر سيّد كاظم موسى بجنوردي، تهران: مركز دائرة المعارف بزرگ اسلامي.

رجال الخافاني، الشيخ عليّ الخاقاني (ف: ١٣٣٤ هـ. ق)، تحقيق السيّد محمد صادق بحر العلوم، قم: مكتب الإعلام الاسلامي، ١٤٠٤ هـ. ق.

رجال السيّد بحر العلوم المعروف بالفوائد الرجائيّة، السيّد محمد المهدي بحر العلوم الطباطبائي (١١٥٥ - ١٢١٢ هـ. ق)، حقه وعلق عليه: محمد صادق بحر العلوم (و) حسين بحر العلوم، ٤ ج، طهران: مكتبة الصادق، ١٣٦٣ هـ. ش.

رجال النجاشي ← فهرست اسماء مصنّف الشيعة.

رسائل الشريف المرتضى، تقديم وإشراف: السيّد أحمد الحسيني [الاشكوري]، اعداد: السيّد مهدي الرجائي، ط: ١، ج: ١ و ٢، قم: دارالقرآن الكريم، ١٤٠٥ هـ. ق.

روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه، المولى محمد تقى المجلسي (١٠٠٣ - ١٠٧٠ هـ. ق)، نمقه وعلق عليه وأشرف على طبعه: السيّد حسين الموسوي الكرماني والشيخ عليّ پناه الاشتهازي ج: ٣، بنياد فرهنگ اسلامي حاج محمد حسين كوشانيور، بي تا.

رؤيت هلال، به كوشش رضا مختاري و محسن صادقي، ج: ١، ج: ١، قم: بوستان كتاب قم، ١٣٨٤ هـ. ش.

اسماء المقال في علم الرجال، ابوالهدي الكلبيسي (ف: ١٣٥٦ هـ. ق)، تحقيق السيّد محمد الحسيني القزويني، ٢ ج، ط: ١، قم: مؤسسه وليّ العصر - عليه السلام - للدراسات الإسلامية، ١٤١٩ هـ. ق.

طرائف المقال في معرفة طبقات الرجال، السيّد عليّ أصغر بن السيّد محمد شفيع الجابلق البروجردي (ف: ١٣١٣ هـ. ق)، ٢ ج، تحقيق السيّد مهدي الرجائي، ط: ١، قم: مكتبة آية الله العظمى المرعشيّ النجفي، ١٤١٠ هـ. ق.

فهرست اسماء مصنّف الشيعة المشتهر برجال النجاشي، أبو العباس احمد بن عليّ بن احمد بن العباس النجاشي الأسدي الكوفي (٢٧٢ - ٤٥٠ هـ. ق)، تحقيق: آية الله السيّد موسى الشبيريّ الزنجاني، ط: ٥، قم: مؤسسه النشر الإسلاميّ التابعة لجماعة المدرسين، ١٤١٦ هـ. ق.

كتابخانه ابن طاوس و احوال و آثار او، اتان كلبرگ، ترجمه سيّد علي قرائي و رسول جعفریان،
 ج: ۱، قم: كتابخانه عمومي آية الله العظمى مرعشى نجفى، ۱۴۱۳ هـ. ق.
 كليات في علم الرجال، الشيخ جعفر السبحاني، ط: ۳، قم: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة
 لجماعة المدرسين، ۱۴۱۴ هـ. ق.
 لسان الميزان، شهاب الدين أبو الفضل أحمد بن علي بن حجر العسقلاني (ف: ۸۵۲)، ج ۷،
 ط: ۲، بيروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ هـ. ق.
 لواع صاحبقراني (مشتهر به: شرح فقيهه)، علامه محمد تقي مجلسي (أول)، ج ۶، ج ۱، قم:
 انتشارات دارالتفسير (اسماعيليان)، ۱۳۷۵ هـ. ش.
 مجمع البيان في تفسير القرآن، أمين الاسلام أبو علي الفضل بن الحسن الطبرسي، ج ۱۰،
 بيروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ هـ. ق.
 مختلف الشيعة، العلامة الحلبي (أبو منصور الحسن بن يوسف بن المطهر الأسدي) / ۶۴۸ -
 ۷۲۶ هـ. ق.)، ج ۹، تحقيق و نشر: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين
 بقم المشرفة، قم: ۱۴۱۲ هـ. ق.
 مسائل الناصريّات، علم الهدى السيّد الشريف المرتضى (علي بن الحسين بن موسى / ۳۵۵ -
 ۴۳۶ هـ. ق.)، تحقيق: مركز البحوث والدراسات العلميّة، طهران: رابطة الثقافة
 والعلاقات الإسلامية، ۱۴۱۷ هـ. ق.
 معالم العلماء، ابن شهر آشوب (أبو عبدالله محمد بن علي / ف: ۵۸۸ هـ. ق.)، قم (افست از
 روى ط. المكتبة الحيدريّة نجف اشرف / ۱۳۸۰ هـ. ق.).
 معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرواة، آية الله السيّد أبو القاسم الموسوي الخوئي، ۲۴
 ج، ط: ۵، ۱۴۱۳ هـ. ق.
 مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلامة، السيّد محمد جواد الحسيني العاملي (ف: ۱۲۲۶ هـ. ق.)،
 حقّقه و علّق عليه: الشيخ محمد باقر الخالصي، ج ۵، ط: ۱، قم: مؤسسة النشر
 الإسلاميّ التابعة لجماعة المدرسين، ۱۴۱۹ هـ. ق.
 ميراث فقهی (۲): رؤيت هلال ← رؤيت هلال
 مؤسسة آل البيت - عليهم السلام - لإحياء التراث، ۱۴۱۵ - ۱۴۱۶ هـ. ق.
 نقض (معروف به: بعض مثالب التواصب في نقض بعض فضائح الزوافض)، نصير الدين أبو الرّشيد
 عبد الجليل قزويني رازي، به تصحيح مير جلال الدين محدث (أرموي)، تهران: انجمن
 آثار ملي، ۱۳۵۸ هـ. ش.